



خبرنگار گروه سیاست

ترامپ در ثروت سوشال همزمان از آتش پس در ایران، ادامه خرید نفت توسط چین، و سفر به ناتو می گوید، اما در زمین واقعیت، هیچ کدام از این ادعاها به سرانجام مطلوبی نرسیده‌اند و حتی ایران با حمله موشکی به پایگاه العدید، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در قطر، پاسخ کوبنده‌ای به تجاوزاتش داده است.
نویته‌های پریهاوی رئیس‌جمهور آمریکانصویری ازیک رهبر مقتدرو میانجیگر رازسیسم می‌کنند، درحالی‌کهواقعیت‌های میدانی‌حکایت‌اتفاقات متناقضی دارند.
ادامه حملات رژیم صهیونیستی تا ساعاتی پس از اعلام آتش‌بس وپاسخ‌های موشکی ایران‌همگی روایت‌های خوش بینانه‌ترامپ‌را به چالش می‌کشند.
می دانیم‌نام‌پلتفرم اختصاصی‌اش «تروث (واقعیت)» است اما این تنها چیزی است که در حساب کاربری او در این پلتفرم دیده نمی‌شود.
او با جنجال‌سازی در این پلتفرم سعی دارد چرخه‌های خبری را کنترل کند و خود را کدخدای جهان نشان دهد؛ اما تناقض هایش بین تهدید و دیپلماسی نمایشی، شکاف عمیقی بین گفتارو واقعیت او ایجاد کرده است.

شروع نمایش با مذاکره

داستان از چند هفته پیش آغاز شد، زمانی که مز مه‌های مذاکرات میان ایران و آمریکا در رسانه‌ها مطرح شد. در فروردین ماه، ترامپ در یک مصاحبه با شبکه NBC ادعا کرد که نامه‌ای به رهبر ایران برای دعوت به مذاکره ارسال کرده و هدفش توافقی ساده برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. اما این ادعا به‌سرعت توسط مقامات ایرانی تکذیب شد و نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد هیچ نامه‌ای دریافت نشده است. چند روز بعد، ترامپ در چرخشی عجیب گفت که هنوز نامه را ارسال نکرده و قرار است به‌زودی این کار را انجام دهد. این تناقض گوی‌ها، اولین نشانه‌های استراتژی رسانه‌ای او بودند. در نهایت مذاکرات غیر مستقیم میان ایران و آمریکا از طریق عمان آغاز شد؛ اما ترامپ در یک حرکت نمایشی دیگر، مدعی شد که مذاکرات به‌صورت مستقیم برگزار خواهدشد. این ادعانیز توسط عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران تکذیب شد. همان زمان حسین دلیریان، سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی در شبکه‌اجتماعی ایکس نوشت: «مذاکرات مستقیم و مصدق فیک‌نیوز است.» این بازی رسانه‌ای نشان‌دهنده تلاش ترامپ برای کنترل روایت مذاکرات بود. او باترکیب تهدیدهای نظامی و وعده‌های دیپلماتیک، سعی داشت ایران را در موقعیتی قرار دهد که هر واکنشش، به نفع روایت او تمام شود.

ترامپ چطور از ابزارهای عملیات روانی استفاده می‌کند؟

کدخدای توپیتر

ترامپ در سخنرانی هایش، از یک‌سوا ایران را «مخرب‌ترین نیروی خاورمیانه» می‌خواند و از سوی دیگر، پیشنهاد مذاکره برای توافقی جدید را مطرح می‌کرد. نیویورک‌تایمز در تحلیلی نوشت که این رویکرد، ترکیبی از سیاست فشار حداکثری دوره اول او و تلاش برای مذاکره است. اما این تناقض‌ها، نه‌تنها نشانه سردرگمی، بلکه بخشی از یک استراتژی رسانه‌ای بودند. استراتژی‌ای که مبتنی بر ایجاد فشار روانی بر ایران و شکل دهی به افکار عمومی داخلی آمریکا برای جلب حمایت از سیاست‌هایش بود.

فقط من درست می‌گویم

بامداد روز جمعه، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، رژیم‌صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا، با تعرض به خاک ایران و حمله به بخش‌های مسکونی و نظامی به برخی از فرماندهان ودانشمندان ایرانی حمله کرد. در این حملات، چهره‌های برجسته‌ای مانند سرلشکر محمدباقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سردار حسین سلامی فرمانده کل سپاه و سردار امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه به‌شهادت رسیدند. این اقدام که با هماهنگی و طرح‌ساز کاخ سفید انجام شد، جرقه وضعیت امروز رازد. ایران در همان شب، عملیات «وعده صادق ۳» را آغاز کرد و با شلیک ده‌ها موشک به‌سرمز مین‌های اشغالی، پاسخ قاطعی به تجاوز اسرائیل داد. این عملیات، که تا روز سمنشنبه، ۳ تیر ماه ۱۴۰۴، ادامه داشت، خسارت‌های سنگینی به پایگاه‌های نظامی اسرائیل، از جمله در حيفا، تل‌آویو و حتی مقر فرماندهی مرکزی موساد وارد کرد. همزمان، در پاسخ به حمله مستقیم آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران (فردو، نظنز و اصفهان) ایران پایگاه العدید آمریکا در قطر را هدف حمله موشکی قرار داد. برخی رسانه‌های آمریکایی خبر دادند که تأسیسات ایران آسیب چندانی ندیده و ترامپ در مصاحبه‌ای با تایمز گفت هرچه من گفته‌ام درست است و درست خواهد بودا دونالد ترامپ سعی کرد با روایت‌سازی رسانه‌ای، خسارت‌ها را کم اهمیت جلوه دهد. او در پیست‌هایی در شبکه‌که تروث‌سوشال مدعی شد: «آسمان ایران در کنترل کامل‌ماست. آنها حتی نمی‌دانند از کجاخوردند.» او همچنین در اظهاراتی متناقض، یک روز پیش از این ادعا گفته بود: «تا دو هفته آینده قصد ورود به درگیری‌های ایران را ندارم»، اما دو شب پیش با افتخار اعلام کرد: «تأسیسات فردو، نظنز و اصفهان را نابود کردیم.» این تناقض گویی‌ها که با توپیت‌هایی مانند «از ایران متشکرم» و «با ایران صلح خواهیم کرد» ادامه یافت، نشان‌دهنده تلاش او برای مدیریت بحران از طریق جنجال‌رسانه‌ای بود.

بعد از بمباران سلام دوستانه کنید!

در بامداد سمنشنبه ۳ تیر ماه ۱۴۰۴، زمانی که حملات اسرائیل به تهران ادامه داشت

سیدرضا صدرالحسینی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نمایش برتری دکترین دفاعی ایران در جنگ ۱۲ روزه

صبح روز سه‌شنبه بعد از نیم‌وزیر خارجه ایران در شبکه ایکس مینی پراینکه «اگر رژیم بعد از ساعت ۴ (۷:۳۰) به وقت ایران حمله نکند، ایران تمایلی به پاسخ ندارد»، اسرائیلی‌ها هم آتش‌بس جنگی را اعلام کردند که یکی از مهم‌ترین اهدافش فروپاشی نظام سیاسی ایران بود، هدفی که نه‌تنها محقق نشد، بلکه جامعه ایرانی را همراه‌تر کرد و شکاف‌های میان ملت و دولت را به حداقل رساند، حالا رژیم صهیونیستی بعد از جنگی ۱۲ روزه با خسارات گسترده، در حوزه‌های نظامی و اقتصادی و نارضایتی بخش زیادی از ساکنان سرزمین‌های اشغالی به‌خاطر شروع این جنگ، مواجه است. سابقه تاریکی که در کنار عدم موفقیت در نابودی حماس و حذف حزب‌الله لبنان، قرار گرفت. برای بررسی ابعاد آتش‌بس، سیدرضا صدرالحسینی، کارشناس مسائل بین‌الملل، گفت‌وگو کردیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

ایران با شعار ضربه در مقابل ضربه از منافع ملی دفاع کرد

صدرالحسینی به این موضوع اشاره کرد که این جنگ توانمندی‌های جمهوری اسلامی را به اثبات رساند، وی گفت: «با عنایت به استمرار جنایات رژیم صهیونیستی در طول ۱۲ روز گذشته و همچنین پذیرش سخت‌ترین ضربات از جانب نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به‌ویژه هوافضای سپاه و پس از اظهار ناتوانی در مقابل توانمندی جمهوری اسلامی و حمایت‌های همه‌جانبه مردمی و حضور آمریکا به حمایت از این رژیم با‌لاخره توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی، توفق خود را ثابت کردو اراده ملت ایران بر جنگ طلبان نظام سلطه آشکار و روشن شد. واقعیت امر این بود که رژیم صهیونیستی فکر می‌کرد که می‌تواند با حمایت همه‌جانبه آمریکا و تعدادی از کشورهای اروپایی عضو ناتو، بعد از گذشت کمتر از یک هفته شرایط سیاسی را در جمهوری اسلامی تغییر دهد، اما متوجه واقعیت‌هایی شد که شاید آن‌ها را در خواب نمی‌دید و آن حمایت همه‌جانبه مردم همراه با مهدلی و همبستگی در حمایت

خشم در چشمان سرباز

ادامه از صفحه یک

یک هفته بعد دنیا راه خودش را خواهد رفت، شاید بعضی‌ها حتی تاریخ‌ها را فراموش کنند؛ اما بعضی‌ها هیچ وقت یادش‌شان نمی‌رود، مثل دیپلمات‌ها یا خانواده شهدا!

خون شت‌ک‌زده روی دیوار

آن‌چه را بر سر دیپلمات‌ها، سربازها و مردم زیر بمباران می‌آید، الزاماً همه درک نمی‌کنند. فقط می‌بینند که شهر آرام شد، مثل همین اتفاقی که بین ما و صهیونیست‌ها افتاد، بین ما و آمریکایی‌ها! کسی قهرمانان بدنه جنگ را به خاطر نخواهد آورد. فقط می‌گوید جنگ تمام شد. این‌که چه کسی کجا چه گفت تا این اتفاق بیفتد را کسی نخواهد فهمید.

حالا بعضی‌ها این آتش‌بس را می‌پذیرند، بعضی‌ها توی گشت‌شان نمی‌رود. حق هم دارند! از فردا باید برگردند به خانه‌های قبل از جنگ‌شان و آجرها را سر جایش بگذارند و گنج و رنگ بکشند روی خون خشک شده از عزیزانشان! شما تا حالا در خانواده‌تان شهید داده‌اید؟ در دوستان یا آشنایان چطور؟! آدمی که داشسته زندگی‌اش را می‌کرده، بعد موشک از راه رسیده و یکی از عزیزان خانواده را دستچین کرده، با خودش برده و خوش را به دیوار پاشیده، تجربه مستحسنت است. خیلی سخت! حالا به او بگو یگود انتقام را بی‌خیال! داریم بی‌رویم صلح کنیم! چقدر بگیرد و از خون عزیزش بگذرد می‌آرد؟! بله، حق دارد، حق دارد که زیر بار صلح نسرود، هیچ‌وقت هم نمی‌رود، همیشه نه‌ته دلش یک گوشه‌ای برای انتقام و عصبانیت زروو است. ولی چه می‌شود کرد؟!

و ایران در حال پاسخ‌گویی بود، ترامپ ناگهان مدعی برقراری آتش‌بس شد. او در توپیتی نوشت: «اسرائیل و ایران همزمان به من مراجعه کردند و گفتند: صلح! من می‌دانستم که زمانش حالا است، جهان خاورمیانه برندگان واقعی هستند!» این ادعا، در حالی مطرح شد که هیچ بیانیه رسمی از سوی تهران یا تل‌آویو منتشر نشده بود. ترامپ در توپیت‌های بعدی، لحن خود را تندتر کردو خطاب به اسرائیل نوشت: «اسرائیل، آن بمب‌ها را نیندازد! اگر این کار را کنید، نقض بزرگی است. خلبان‌هایتان را فوراً به خانه برگردانید!» او همچنین نوشت: «اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد. همه هواپیماها بر می‌گردند و در مسیر بازگشت، به ایران سلام دوستانه می‌کنند. آتش‌بس برقرار است!»

این توپیت‌ها، که به‌سرع‌ت در رسانه‌های جهانی بازنشر شدند، بخشی از استراتژی دیپلماسی نمایشی ترامپ بودند. واشنگتن‌پست در تحلیلی نوشت: «ترامپ بیشتر از آنکه، میانجی صلح باشد، کارگردان یک نمایش سیاسی است. صلح هنوز واقعی نیست، اما در رسانه‌های آمریکایی به نام او ثبت شده است.» او با این اقدام، سعی داشت خود را به‌عنوان یک میانجیگر مقتدر معرفی کند، درحالی‌که حملات همچنان ادامه داشتند و ایران هیچ توافقی را تأیید نکرده بود. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در واکنش به این ادعاها نوشت: «همان‌گونه‌که مکرراً گفته‌ایم، این رژیم اسرائیل بود که جنگ را آغاز کرد، نه ما. در حال حاضر توافقی در موضوع آتش‌بس وجود ندارد. با این حال، به شرط آنکه رژیم اسرائیل تهاجم خود را تا ساعت ۴ صبح متوقف کند، ما نیز قصدی برای ادامه پاسخ نداریم.» این پاسخ، نه‌تنها ادعای ترامپ را تکذیب کرد، بلکه توپ را به‌زمین تل‌آویوو واشنگتن انداخت.

آتش‌بس با توپیت

کدخدای خودخوانده با استفاده از توپیت‌های جنجالی در تروث‌سوشال و اظهارات پریهاو، سعی دلشت‌صحته بحران را به‌نفع خودبازرسان کرد، درحالی‌که واقعیت‌های میدانی، روایتی متفاوت را نشان می‌دادند. درحالی‌که پایگاه العدید در قطر زیر آتش موشک‌های ایران بود و نقش واشنگتن در حمایت از حملات اسرائیل آشکار شده‌بود، ادعای آتش‌بس به ترامپ این امکان را می‌داد تا انتقادات داخلی را مهار کند. سناتور کریس مورفی پیش‌تر هشدار داده‌بود که اقدامات ترامپ امنیت نیروهای آمریکایی را به خطر انداخته‌است. با این مانیور رسانه‌ای، او تلاش کرد خود را به‌عنوان ناجی صلح معرفی کند و فشارهای گنگرو و رسانه‌های آمریکایی را کاهش دهد. ترامپ با اعلام آتش‌بس بدون تأیید تهران یا تل‌آویو، آمیدودار پوشک‌ف‌هایی در جامعه ایران ایجادکند. او می‌خواست با این حرکت، واکنش‌های داخلی ایران را از بیانی کذب و اب‌رجسته‌سازی ادعای صلح، گروه‌های مختلف اجتماعی را به بحث و جدل بکشاند. این عملیات

به وجود بیاید، پاسخ داده است و پاسخ‌های سخت نیروهای مسلح نیز در صورت نقض آتش‌بس توسط آمریکاورژیم صهیونیستی در راه خواهدبود. به‌هر حال به‌ره‌مندی جمهوری اسلامی از تجربیات گذشته و همچنین آشنایی به زوایای دشمن خود، توانست این بر‌خورد هوشمندانه و رفتار عاقلانه و متوجه به منافع ملی را رقم بزند. »

به وجود بیاید، پاسخ داده است و پاسخ‌های سخت نیروهای مسلح نیز در صورت نقض آتش‌بس توسط آمریکاورژیم صهیونیستی در راه خواهدبود. به‌هر حال به‌ره‌مندی جمهوری اسلامی از تجربیات گذشته و همچنین آشنایی به زوایای دشمن خود، توانست این بر‌خورد هوشمندانه و رفتار عاقلانه و متوجه به منافع ملی را رقم بزند. »

به وجود بیاید، پاسخ داده است و پاسخ‌های سخت نیروهای مسلح نیز در صورت نقض آتش‌بس توسط آمریکاورژیم صهیونیستی در راه خواهدبود. به‌هر حال به‌ره‌مندی جمهوری اسلامی از تجربیات گذشته و همچنین آشنایی به زوایای دشمن خود، توانست این بر‌خورد هوشمندانه و رفتار عاقلانه و متوجه به منافع ملی را رقم بزند. »

ترکیب دکترین دفاعی و پشتوانه مردمی تاب‌آوری ایران را بالا برد

صدرالحسینی در مورد اینکه آیا صهیونیست‌ها به خاطر هراس از افتادن در جنگ فرسایشی، تن به آتش‌بس دادند، یا نه، گفت: «آنکه مهم این است که تعریف فرسایشی در دکترین‌های دفاعی و نظامی کشورها، متفاوت هستند. اینکه بالافاصله بعد از شروع جنگ، برخی آن را جنگ فرسایشی، نام‌گذاری کنند، دقیق نیست. در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی که برگرفته از دکترین دفاعی و نظامی آمریکاست، جنگ سریع و پرسرعت و بهره‌مندی کامل از سیستم تهاجمی هوایی مطرح است، اما در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی، مسئله سرعت عمل در مقابل دکترین‌های نظامی وجود ندارد. وسعت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران، تجربه ۸ ساله دفاع مقدس، پشتوانه مردمی جمهوری اسلامی و عوامل مختلف دفاع بومی ایران، این را به اثبات رسانده که می‌تواند با دکترین دفاعی خودش در مقابل دکترین‌های نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌خوبی تاب‌آوری داشته باشد و مهم‌ترین دلیل او هم پشتوانه مردمی از انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و دولت مستقر است. براین اساس یکی از شعارهای رژیم صهیونیستی در روزهای اول تهاجم نظامی سرعت‌بخشی به اقدامات نظامی و رسیدن به اهداف در کمتر از یک هفته بود. اما با درایت و هوشمندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به‌ویژه در دوعبد موشکی و دفاعی، این موضوع به شکلی رفت خود که تاب‌آوری رژیم صهیونیستی علی‌رغم حمایت‌های مادی و غیرمادی آمریکا و بخشی از کشورهای ناتو، توانست دوام بیاورد و تحمیل اراده و دکترین دفاعی جمهوری اسلامی، بر این رژیم توپ پیدا کرد و مجبور شد که بعد

انبار مهمات، پشت‌د در اتاق مذاکرات و پشت در اتاق عمل بیمارستان‌ها چه می‌گذرد؟!

پشت آن درها

همه حرف زدند، همه که نه، همه آن‌هایی که می‌توانستند حرف بزنند شروع به حرف زدن کردند و بالافاصله گریه کردند. یکی گفت ما را یک دسته بکنید که همین امشب به خط بزنیم، ما به خانه بر نمی‌گردیم.

این تازه حال آن‌هایی بود که می‌توانستند حرف بزنند، بقیه یک طوری گریه کردند که نفسشان برای حرف زدن بالا نیامد و ساکت ماندند. حق هم داشتند، آدم با صدام بزد کافر که توافقی نمی‌کند.

آقای محسن رضایی، مقصر این گریه‌ها شما بودید، فرماندهی که باش، فرمانده‌اند که باشند، آدم به یک‌سری رزمنده که آتش‌شان داغ است که این طور خبر نمی‌دهد!

آن‌ها که نمی‌دانند پشت در زاغه‌های مهمات، پشت در اتاق عملیات، پشت در بیت امام، پشت در سازمان ملل و پشت هزاران در دیگر چه می‌گذرد! آن‌ها آمده‌اند بجنگند، گفتند خونی هم اگر برای معامله خواستید ما می‌دهیم، حالا شما به آن‌ها می‌گویید بی‌خیال؟! بی‌خیال آقامحسن، بی‌خیال!

یادتان هست؟!

دوازده روز به عقب برگردیم، به صبح جمعه‌ای که برای اولین بار موشک‌ها پا به خاک تهران گذاشتند، سه روز اولی که یک لحظه فکر کردیم «غزه» شلیم رفت به همان صبحی که سلام نماز را با صدای انفجار دادیم، به

روایتی، با رصد گفت‌وگوهای مجازی و تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی، به‌دنبال ششاسایی نقاط ضعف و تقویت شکاف‌های احتمالی بود.

ترامپ با این نمایش رمسانه‌ای، زمینه را برای توجیه حملات احتمالی آینده فراهم می‌کرد. با انداختن توپ در زمین ایران، او می‌توانست در صورت ادامه درگیری‌ها، تهران را مقصر جلوه دهد و اقدامات بعدی اسرائیل با آمریکا را مشروع نشان دهد. این تاکتیک، به او اجازه می‌داد تا در صورت شکست آتش‌بس، مسئولیت را از خود و متحدانش سلب کند. در نهایت، این اعلام آتش‌بس، فرصتی برای دستاوردسازی داخلی در آمریکا بود. با نزدیک شدن به انتخابات، ترامپ نیاز داشت تا چهره‌ای از یک رهبر قاطع و صلح‌ساز را به‌رای‌دهندگان نشان دهد. سی‌ان‌ان در تحلیلی نوشت که او با این حرکت، توانسته بود تصویر یک «صلح‌ساز مقتدر» را در افکار عمومی آمریکا تثبیت کند، حتی اگر این صلح، تهاود توپیت‌هایش وجود داشته باشد.

دیپلماسی نمایشی در برابر واقعیت‌های میدان

دونالد ترامپ در بازه مذاکرات تا آتش‌بس، نه‌تنها یک بحران را به جنگی با پتانسیل جهانی شدن نزدیک کرد، بلکه آن را به ابزاری برای بازسازی چهره‌ی خود به‌عنوان یک رهبر مقتدر بدل ساخت. او هم فرمان جنگ را صادر کرد، هم آتش‌بس و در هیچ مرحله‌ای به نهاد‌های رسمی یا متحدانش پاسخگو نبود. این نمایش رسانه‌ای اما، در برابر واقعیت‌های میدانی، شکنده است. ترامپ با استفاده از پلتفرم‌ها، چرخه‌های خبری را تحت کنترل در آورد و روایتی یک‌جانبه را به مخاطبانش تحمیل کرد. شاید برای همین یک پلتفرم برای خودش ساخت و اسمش را «تروث» گذاشت.

ترامپ در ادامه قلندر ملی‌اش در دیاره ناتو و خرید نفت ایران توسط چن هم نوشت. او

در پستی در تروث ادعا کرد: «چین حالا می‌تواند به خرید نفت از ایران ادامه دهد. امیدوارم مقدار زیادی هم از آمریکا بخرد. این افتخار بزرگی برای من بود که این را محقق کردم.» در توپیت دیگری هم نوشت: «به‌سمت ناتو می‌روم، جایی که امیدوارم دودهای آراثرم از آنچه با ایران و اسرائیل پشت‌سر گذاشتم، باشد. مشتاق دیدار دوستان خوب اروپایی‌ام هستم.» رسانه‌بازی او به‌گونه‌ای است که انگار فراموش کرده‌همین چند ماه پیش با اعمال تعرفه‌های سنگین صدای همان دوستان خوب اروپایی‌اش را درآورده‌بود. پرداختن رسانه‌ای او به موضوعات مختلف جهانی، تلاشی برای نشان دادن نوعی اقتدار در مدیریت همزمان بحران خاورمیانه و تقویت روابط با اروپا و چین است. اما این نمایش رسانه‌ای با واقعیت‌های میدانی، از جمله پاسخ موشکی ایران به پایگاه العدید و حملاتی که بعد از اعلام آتش‌بس توسط او هم ادامه داشت، در تناقض بود و نشان داد که این نمایش‌های بیش از آنکه راه‌حل باشند، بخشی از یک تئاتر سیاسی برای جلب توجه جهانی‌اند.

از گذشت ۱۰ روز پیام‌های آتش‌بس و صلح را به صورت مستقیم و غیر مستقیم ارسال کند. بر این اساس می‌توان گفت که دکترین دفاعی جمهوری اسلامی، برای چندین مرتبه تیراوست در مقابل دکترین‌های نظامی دیگر کشورها از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی، برتری خودش را نشان دهد. »

براندازان بازنده بزرگ جنگ ۱۲ روزه

بازنده بزرگ این درگیری ۱۲ روزه، وطن‌فروشیانی بودند که تصور کردند با ایستادن کنار رژیم صهیونیستی می‌توانند پیروز میدان باشند و مردم ایران را با خود همراه کنند، صدرالحسینی در توضیح رفتار اپوزیسیون ایران گفت: «باید توجه داشت که مجموعه جریان‌های کج‌راه‌های که تصور می‌کردند، می‌توانند با تهاجم نظامی بیگانگان و به همراه‌شورش‌های داخلی، از آب گل‌آلود ماهی دلخواه خوششان را بگیرند، متوجه‌اند شدند همچنان که ملت ایران در طول سال‌ها گذشته ثابت کرد به آنها هیچ اعتمادی ندارد در این دوره هم، ملت ایران با حمایت خود در مراسم‌های گوناگون و حمایت مستقیم از نیروهای مسلح و نظام اسلامی، ثابت کرد که این قناله‌ها به هیچ عنوان امکان‌بروز هیچ‌مکس العملی در داخل کشور نخواهند داشت. علی‌رغم هماهنگی‌ای که این جریان با رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر داشت -چون رضا پهلوی کنار دیوار ندیده رفت و آنجا اظهار تمایل به همکاری با رژیم صهیونیستی کرد و با آنها هم جلسه مشترک گذاشت - و در روزهای ابتدایی تهاجم، رژیم صهیونیستی همراهی خود را با بعضی از این جریان‌ات از جمله رضا پهلوی و برخی از سلطنت‌طلب‌ها اعلام کرده بود. در ۱۲ طول گذشته، حتی نتوانستند هیچ اقدام کوچکی به نفع نظام سلطه و رژیم صهیونیستی، انجام دهند یعنی همراهی ملت با نظام اسلامی و نیروهای مسلح، به آنها این اجازه را نداد که غیر از یکی دو مورد بیانیه که با اتاق‌های در بسته صادر کردند، هیچ حرکت عمومی را در داخل کشور ایجاد کنند و مردم با حمایت خودشان، دست رد مجدی به سینه همه جریان‌های ضد منافع ملی، ضد ایران و ضد انقلاب اسلامی زنند.»

همان لحظه‌ای که هی انفجار می‌شد و هی شهید می‌دادیم، واداده بودیم، خالی کرده بودیم، به آن لحظات برگردیم و فکر کنیم که چرا جنگیدیم؟! بد بود، خیلی بد، تا اینکه به قول اصغر وصالی: «خانه‌های عصایش را بلند کرد» و ما از خاکستر خودمان بلند شدیم.

برگردیم به آن ششبی که موشک‌ها خاک سسرزمین‌های اشغالی را نشانمان می‌دادند و روی آن نقطه می‌گذاشتند. آن ایمان که ما را به خیابان‌ها کشاند از کجا آوردیم؟! آن ششور، آن ایران ایران و آن حیدر حیدر را چه کسی به ما داد؟ یادتان هست؟!

یادمان باشد

آخری که بلند شد حرف جدیدی داشت، گریه نکرد، بغضی هم در صدایش نبود، اما یک خشم مقدس در چشمانش دیده می‌شد، خشمی که تا آخرین لحظات عمرش در چشمانش زندگی می‌کرد. او یک ته‌پشت آقامحسن ایستاد، پشت پشیمای که داشت: «مگر ما به تشخیص خودمان جنگیدیم که به تشخیص خودمان ادامه بدیم؟! امام گفت بجنگید؛ جنگیدیم! حالا می‌گوید نجنگید؛ نمی‌جنگیم.»

او حاج قاسم بود، فرمانده کرمانی! جوان مو فر و مصممی که درسی برای ما داشت. برای ما غیرنظامی‌ها، برای ما که اسلحه نداریم، برای ما که اشکمان دم مشکمان است.

آموزشی که حاج قاسم به ما داد؛ امروز به کارمان می‌آید. او که به ما قدرت طوفان داد حالا به ما دستور صبر داده است. بیاید حاج قاسم باشیم و تا آخر عمر یادمان باشد! اگر قرار است سرباز باشیم باید اعتماد کنیم. اعتماد کنید.